

گذاشت، هرگز نمی‌توان راه حل عقلانی برای مشکلات یافت.»

به نظر می‌رسد آمریکا دامنه این تفاوت فرهنگها را پس از اشغال عراق به وضوح درک کرده است: «دموکراسیهای خاورمیانه شبیه دموکراسیهای ما نیستند؛ چرا که آنها نمادی از فرهنگها و سنتهای مردمشان هستند.» اما اینکه ایالات متحده بتواند به تمام اهداف خاورمیانه بزرگ در این منطقه دست یابد، رویایی دور از واقعیت است. به نظر می‌رسد در آینده شاهد تعارضات و تنشهای بیشتری در خاورمیانه در مقابل رفتارهای سیاسی ایالات متحده خواهیم بود.

همکاری اقتصادی عربی: دیدگاهی عملی

ظاهر کنعان

اقتصاد دان و معاون نخست وزیر سابق اردن

ترجمه شیدا محمدی

کارشناس علوم سیاسی

اگر قرار بود چنین مقاله‌ای در دهه پنجاه و شصت سده گذشته میلادی نوشته شود، به طور حتم سخن از وحدت اقتصادی عربی به میان می‌آمد. اما شکستها و ناامیدیهای پی در پی که موجب جدایی و دوری ملت‌های عربی از یکدیگر شده است، سطح این مقاله را به مسئله همکاری اقتصادی میان کشورهای عربی تنزل داده است. زمانی که یک شهروند عرب به موضوع همکاری اقتصادی میان کشورهای عربی فکر می‌کند، آن را با اتحادیه اروپا و بازار مشترک اروپا مقایسه می‌کند، حال اگر این شهروند دارای پیشینه فرهنگی باشد و به تاریخ عربی اهمیت دهد، درک می‌کند که وضعیت کنونی منطقه عربی، پدیده تازه‌ای است که سابقه آن به سقوط امپراتوری عثمانی در اوایل قرن بیستم باز می‌گردد. اما قبل از

سقوط این امپراتوری و برای قرنهای طولانی وحدت سیاسی و اقتصادی قسمتهای وسیعی از جهان عرب را در بر می گرفت. تا پایان دوره امپراتوری عثمانی، سرزمینهای عربی دارای ارتباط اقتصادی نزدیکی بودند که بر مبنای استقرار امنیت در راهها، نبود تعرفه های بازرگانی، وجود ایستگاهها و نگهداری از کاروانهای تجاری قرار داشت و این امر باعث شده بود تا تبادل انواع مواد اولیه و کالاهای تولید شده در سرزمینهای مختلف رواج یابد. این مبادلات تجاری در مواد اولیه محصولات کشاورزی و کالاهای ساخته شده در کنار نبود و یا کمی تعرفه های گمرکی و حداقل قید و بندهای اداری در انتقال کالا منجر به همکاری بالای اقتصادی در سرزمینهای امپراتوری عثمانی شد. شرایط گمرکی که حاکم بر روابط امپراتوری عثمانی با خارج از جمله کشورهای اروپایی و ایالات متحده بود، در عمل به تحقق اتحاد گمرکی در میان سرزمینهای عربی کمک کرده و باعث شده بود که تا سال ۱۹۱۴ تجارت میان سرزمینهای عربی بخش عمده ای از تجارت خارجی امپراتوری عثمانی را به خود اختصاص دهد.

پر واضح است که تکامل و وحدت اقتصادی نه تنها آرزویی تحقق نیافتنی نیست، بلکه امری امکان پذیر است و نه تنها می شود در آینده بدان وسعت یافت، بلکه در گذشته نیز به دست آمده است. آنچه که نیاز است، از میان برداشتن موانع مالیاتی، تعرفه ای و اداری است که مبادلات تجاری، نقل و انتقال نیروی کار و سرمایه ها را با مانع مواجه کرده است. منصفانه نیست اگر گفته شود که تلاش دولتهای عربی در زمینه همکاری اقتصادی و ایجاد وحدت، کاملاً شکست خورده است، بلکه دولتهای عربی در سطح رسمی موفق به تشکیل بنیادی قانونی برای کار اقتصادی مشترک شده اند که نمی توان آن را نادیده گرفت. تلاشهای رسمی عربی در زمینه همکاری اقتصادی به لحاظ زمانی با سابقه تر از تلاشهای نزدیکی اقتصادی میان دولتهای اروپایی است که براساس موافقت نامه رم آغاز شد. در زمینه مبادلات بازرگانی، در سال ۱۹۵۳ موافقت نامه تسهیل مبادلات تجاری و تنظیم تجارت ترانزیت بین کشورهای عضو اتحادیه عرب منعقد شد. پس از آن در دهه پنجاه شاهد موافقت نامه تسویه پرداختها و انتقال

سرمایه‌ها و موافقت‌نامه وحدت اقتصادی عربی بودیم. در سال ۱۹۶۴ شورای وحدت اقتصادی عربی با عضویت سیزده کشور عربی تشکیل شد و در دهه هفتاد میلادی صندوق عربی بری توسعه اقتصادی و اجتماعی و صندوق پول عربی و مؤسسه تضمین سرمایه‌گذاریها تأسیس شد. در سال ۱۹۸۰، اجلاس سران در امان میثاق کار اقتصادی مشترک عربی را اعلام کرد. در سال ۱۹۸۱ شورای همکاری خلیج [فارس] و در سال ۱۹۸۹ اتحادیه مغرب عربی تشکیل شدند و بالاخره کنفرانس سران که در سال ۱۹۹۶ در قاهره برگزار شد، برنامه ایجاد منطقه آزاد بزرگ تجاری عربی اعلام و پی‌گیری شد.

بنابراین نه سوء نیتی وجود داشته است و نه تصمیمات و برنامه‌ریزیهایی که در پرتو موافقت‌نامه و میثاقها گرفته شده، اشتباه بوده است، مشکل در پایین بودن سطح پایبندی به آن موافقت‌نامه‌ها و میثاقها است و به ویژه در ارتباط با موافقت‌نامه‌های آزادسازی تجاری، اشکال در فهرست طولانی کالاهایی است که بعضی از دولتها مایل به مستثنی شدن آنها از موافقت‌نامه‌ها

می‌باشد. بسیاری از اندیشمندان بارها تکرار کردند که پایین بودن سطح پایبندی به عهدنامه و میثاقهای عربی به علت «ضعف یا نبود اراده سیاسی که تصمیم به پایبندی به موافقت‌نامه‌ها و اجرای معاهدات بگیرد» می‌باشد. اما مگر می‌توان پذیرفت که دولتها این موافقت‌نامه‌ها را اجرا نمی‌کنند چون اراده سیاسی ندارند. چنین گفته‌ای هیچ آگاهی جدیدی در مورد علل عدم اجرای این موافقت‌نامه‌ها نمی‌دهد و عواملی را که موجب استنکاف از احترام به پایبندی به موافقت‌نامه‌ها می‌شود و همکاری اقتصادی عربی را مورد حمایت قرار نمی‌دهد، تحلیل نمی‌کند. تفسیر صحیح آن است که این عوامل را تعیین کند تا نحوه تعامل با آن و تأثیر گذاری بر آن را بررسی نماید. به نظر می‌رسد این عوامل به سه دسته زیر تقسیم می‌شوند:

- عوامل بین‌المللی مرتبط به سیاستها و منافع قدرتهای بزرگ؛
- عوامل منطقه‌ای مرتبط با تحولات جغرافیای سیاسی منطقه عربی پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول؛

– عوامل داخلی ناشی از نحوه نگرش دولتها به مسایل خویش و منافع ملی و ارتباط آن با موفقیت یا عدم موفقیت همکاری اقتصادی عربی یا دیگر موافقت نامه ها و معاهدات عربی.

الف. عوامل بین المللی

بارها در نشستها و جلسات گذشته بیان کرده ام که می توان سیاست قدرتهای بزرگ در قبال کشورهای عربی را «نظر پالمرستون» نامید. پالمرستون یک قرن پیش نخست وزیر بریتانیا بود. این سیاست مدار وضع کننده اصلی سیاستی بود که هنوز هم به عنوان اصلی ترین خط مشی دولتهای بزرگ غربی در قبال جهان عرب تلقی می گردد. وی در توضیح این اصل طی نامه ای خطاب به کنسول بریتانیا در اسکندریه تأکید کرد که سیاست بریتانیا حفاظت از مرد پیر اروپا، یعنی امپراتوری عثمانی، به هر وسیله ممکن می باشد؛ زیرا منافع حیاتی بریتانیا ایجاب می کند که هیچ دولت بزرگ قدرتمندی در خاور نزدیک، یعنی منطقه عربی تشکیل نشود.

ب. عوامل منطقه ای

در این زمینه توجه به نکات زیر ضروری است:

۱. دیدگاه امنیتی دولتهای عربی: اغلب کشورهای عربی، به ویژه کشورهای کوچک، بخشی از یک سرزمین بزرگ تر بوده اند که آن سرزمین نیز متعلق به امپراتوری عثمانی بود. این دولتها به خوبی می دانند که مشروعیتشان یک مشروعیت شکننده و بی ثبات است و مجبورند این مشروعیت را توجیه کنند و به شکلی مستمر از آن دفاع نمایند. این دولتها برای حفاظت از خویش از خشونت استفاده می کنند و به همین دلیل به امنیت داخلی خود بسیار توجه می نمایند. ترس از دولتهای هم جوار مانع از آن شد که هر گونه منافع مشترکی پی گیری شود ضمن آنکه کشورهای عربی به جای آنکه به خطر استراتژیک دشمنان جهان عرب توجه کنند، نگران خطرات و تهدیدات همسایگان نزدیک خویش می باشند.

۲. شرایط اقتصادی دوره استقلال به علاوه مفهوم رایج رشد و توسعه در دهه های پنجاه و شصت میلادی: دولتهای عربی هم زمان با استقلال به دنبال راهبرد

اقتصادی جایگزینی واردات از طریق تقویت بنیانهای تولید داخلی بودند و در این راه مبادرت به افزایش حمایت‌های گمرکی از کالاهای داخلی نمودند. از سوی دیگر، دولتهای عربی تمامی فعالیتهای اقتصادی را در دست خویش قبضه کرده و کمک به رشد بخش خصوصی نکردند. همین دو مسئله مانعی در برابر همکاری اقتصادی عربی شد و باعث شد تا دولتهای عربی سیاست «بستن درها» را اعمال نمایند.

۳. عوامل داخلی به دو بخش تقسیم می‌شوند: اول به ساختار منافع در دولت و جامعه و دوم به سطح آگاهی و فرهنگ جامعه به ویژه سطح معرفت، تجربه و صلاحیت مدیریت دولت. برای ایجاد یک همکاری اقتصادی عربی، دولتها و جوامع حتماً باید به این نتیجه برسند که این همکاری به منافع فعلی و آتی کشورشان کمک خواهد کرد. آنچه هم اکنون در جهان عرب ملاحظه می‌شود برتری وجود روابط اقتصادی میان دولتها با مراکز صنعتی غرب به جای ایجاد رابطه اقتصادی مستحکم میان خود کشورهای عربی می‌باشد که همین مسئله مانعی در جهت گسترش عملی همکاری

اقتصادی عربی است.

اما در مورد صلاحیت مدیریت کشور و مجرب بودن دستگاههای اداری ملاحظه می‌شود که در اغلب کشورهای عربی هیچ نهاد یا دستگاه با کفایتی برای پی‌گیری جزئیات مختلف قراردادهای و اجرای موافقت‌نامه‌ها تشکیل نشده است. اگر در این زمینه مقایسه‌ای میان آنچه که در کشورهای عربی رخ می‌دهد با آنچه که در اتحادیه اروپا اجرا می‌شود انجام دهیم،

ملاحظه خواهیم کرد که افزایش توانمندی دستگاههای مدیریت دولتی یکی از علل موفقیت تکامل و همبستگی اروپاست و به همین منظور نیز مؤسسه‌های متخصص در افزایش سطح مدیریت عمومی تأسیس شده است. زمانی هم که کشورهای اروپای شرقی درخواست پیوستن به اتحادیه اروپا را کردند، این اتحادیه شرط گذاشت که هر کشوری قبل از آنکه به عضویت اتحادیه اروپا درآید می‌بایستی اقدام به اصلاحات اداری کند. اتحادیه اروپا برای اجرای تصمیمات مشترک به دستگاههای دولتی هر کشور عضو اتکاء می‌نماید و به خوبی می‌داند که بدون حداقل صلاحیت و توانمندی در دستگاههای دولتی

این تصمیمات مشترک به اجرا در نمی آیند و یا به شیوه ای که نتایج مورد نظر را محقق نخواهد ساخت، اجرا می شوند.

بر اساس آنچه که ارایه شد می توان

اظهار داشت که تلاش برای افزایش همکاری

اقتصادی عربی در جهتی که منجر به وحدت

اقتصادی شود، در صورتی انجام پذیر خواهد

بود که بتوان بر عوامل سه گانه فوق الذکر

تأثیر گذاشت. بنابراین می توان به طور

خلاصه برنامه عملی زیر را برای تحقق این

هدف، یعنی وحدت اقتصادی عربی، مطرح

کرد:

الف. دعوت به ایجاد یک گروه سیاسی

فعال به منظور تأثیر گذاری بر نخبگان

تصمیم گیرنده، آگاهی ملی، برنامه های

احزاب و نهادهای جامعه مدنی با احترام

کامل به اراده ملتها و رد هر گونه مداخله،

تهدید و یا تجاوز یک کشور علیه کشورهای

دیگر. تأکید بر ایجاد منافع پایایی که از میان

برداشتن موانع اقتصادی و اتحاد بازارها را

موجب تقویت وضعیت اقتصادی و تحکیم

امنیت ملی و منطقه ای بداند.

ب. حرکت به سمت نزدیک تر کردن

نظامهای اقتصادی از طریق آزاد سازی

بازارهای داخلی، تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذاری و رقابت آزاد، برابر و پاک، و همچنین تحکیم مسئولیتهای اجتماعی دولت.

ج. تحکیم سیاستهای توسعه ای

مبتنی بر گشایش بازارها به شرطی که این

گشایش از طریق التزام به موافقت نامه منطقه

آزاد بازرگانی عربی و با هدف تأسیس بازار

مشترک و اتحاد کامل گمرکی بین تمامی و یا

برخی از کشورهای عربی باشد.

د. تأسیس صندوق پول برای

جایگزینی و کمکهای فنی به منظور حمایت از

تأسیسات تولید که به دلیل آزاد سازی بازارها

و اجرای تعهدات ناشی از موافقت نامه منطقه

آزاد تجاری عربی تأثیر می پذیرند.

ه. تأسیس اداره اختصاص و

باصلاحیت فنی در امور منطقه آزاد تجاری

عربی در تمامی کشورهای عربی و تعیین این

اداره به عنوان مسئول سیاستهای اقتصادی

متعلق به بازرگانی خارجی و هر موافقت نامه

متعلق به آن.

ز. تشکیل نهادهای جامعه مدنی

متخصص در امور اقتصادی مثل اتحادیه

انجمنهای بازرگانان عرب برای اجرای نقش

خود در آگاهی بخشی و میانجی گری در راه تحقق وحدت اقتصادی عربی. این اتحادیه در آخرین اجلاس خود در کویت که تحت عنوان «نقش بخش خصوصی در همکاری اقتصادی عربی» تشکیل شد، پیشنهادهای زیر را مطرح کرد:

- لغو فهرست کالاهای مستثنی از بندهای موافقت نامه های منطقه آزاد تجاری عربی؛

- وسعت بخشیدن به منطقه آزاد تجاری عربی تا خدمات دیگری به جز کالا، نظیر خدمات حمل و نقل، خدمات بانکی و غیره را شامل شود؛

- نوسازی و تسهیل امور اجرایی عبور کالا از مرزهای عربی و آسان ساختن دریافت ویزا برای رفت و آمد شهروندان عرب به کشورهای عربی؛

- در نظر گرفتن منطقه آزاد تجاری عربی به عنوان مرحله ای برای ایجاد اتحادیه گمرکی؛

- بررسی دوباره تمامی قسوانین اقتصادی، بازرگانی و مالی مرتبط با تولید و ارائه خدمات به منظور یکسان سازی آنها. سعی در تصویب قانونی عربی که تأسیس و

فعالیت شرکتهای مشترک عربی و شرکتهای چندملیتی را آسان سازد و این شرکتهای را قادر سازد که در بیش از یک کشور به تولید کالا پردازند؛ از همه کشورها بتوانند نیروی کار بگیرند و فعالیت آنها را همچون فعالیت داخلی دیگر شرکتهای هر کشور عربی تلقی کنند و آنها را از پرداخت مالیات مضاعف معاف سازند. این قانون می تواند تعیین یک هیأت قضایی نظیر هیأت قضایی سازمان

«آوپک» را پیش بینی نماید؛

- تلاش برای اتحاد بازارهای مالی عربی.

به طور خلاصه، توجه به عوامل داخلی می تواند به ایجاد تغییر کمک کند و تأثیر گذاری بر این عوامل بیشترین نقش را برای رسیدن به نتایج مورد نظر خواهد داشت. همکاری اقتصادی عربی به نفع همه ملت‌هاست و آنچه که مانع تحقق این همکاری می شود منافع برخی از گروههای خاص در هر کشور می باشد. تغییر ساختار منافع که

دولت و دستگاههای دولتی می بایستی در جهت منافع ملی حافظ آن باشند و در برابر منافع گروهی خاص مقابله کنند، همان مورد است که در تمامی محافل عربی در قبال آن

اجماع وجود دارد و به آن تغییر دموکراتیک می‌گویند تا از این طریق سیاست‌ورزی در تمامی کشورهای عربی به موجب قوانین اساسی دموکراتیک به شکلی رقم بخورد که حکومت از آن اکثریت باشد، حقوق اقلیت مصون بماند، گردش قدرت به شکلی مسالمت‌آمیز باشد و نمایندگان واقعاً منتخب و امین مردم باشند.

به سوی امنیت مشارکتی در خلیج فارس

بیورن مولر

ترجمه دکتر جواد صالحی

پژوهشگر مقیم مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

هرچند می‌توان استدلال کرد که منطقه خلیج فارس شامل کشورهایمانند یمن، ترکیه، افغانستان و یا کشورهای جدیدالتأسیس آسیای مرکزی نیز می‌باشد، من آن را محدودتر تعریف نموده و آن را شامل ایران و عراق به علاوه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس یعنی بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی (UAE) در نظر گرفته‌ام. به علاوه لیست بازیگران مربوط شامل بازیگرانی به غیر از کشورهای منطقه می‌باشد؛ مانند شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) و سازمان ملل متحد. از اینها گذشته، چندین نیروی خارجی که در صدر آن ایالات متحده آمریکا قرار دارد و تا چندی پیش اتحاد جماهیر شوروی نیز شامل آن بود